

# بازنه

مجله علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مجله جامع علوم انسانی



شماره ۵۶  
اردیبهشت ۱۳۸۷





# اسبب شای نثر از امروز

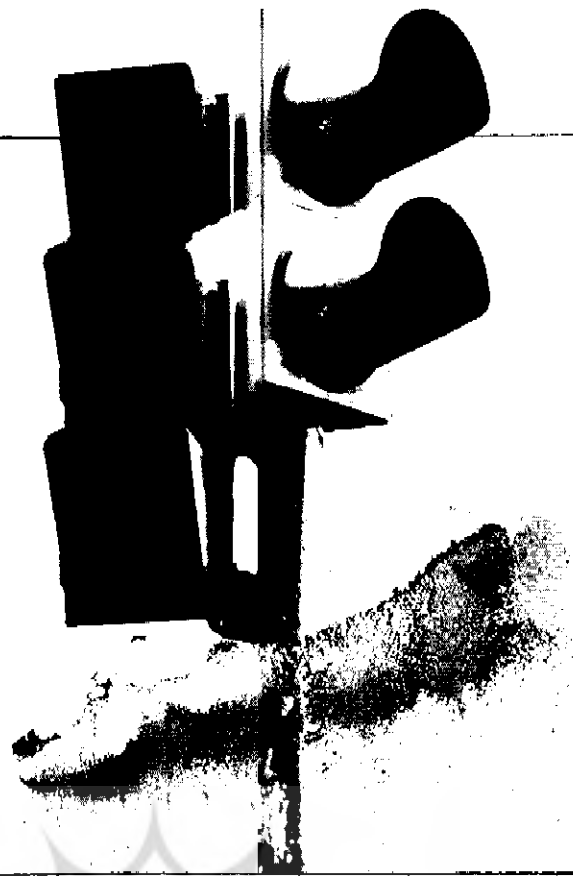
عید الجبار کاکایی



ترانه در فرهنگ ما به کلامی اطلاق می شود که ملحون باشد و به اصطلاح امروز ضرب آهنگ یا ریتمیک باشد. برخی از آثار بزرگان شعر کلاسیک فارسی این خاصیت را دارد. این ملحون بودن در تصنیف فارسی به استقلال در ساختمان و فرم رسیده و ترانه نوین در حقیقت ادامه تصنیف فارسی ست. ترانه نوین هم از تصنیف بهره ور است هم از فولک و متنی ست عموماً مأخوذ از فرهنگ عامه، اما گاهی به زمزمه خواص هم اطلاق می شود.

زبان محاوره و گفتگو بستر اصلی ترانه نوین است. این زبان گونه تکامل یافته زبان ها و گویش های فولک است. در واقع بستر یکسان سازی گویش های فولک، زبان محاوره رایج در ترانه های نوین است. این زبان محاوره حتی از واژه های زبان رسمی و معیار هم بهره ور است. بنا بر این زبان گفتگوی غیررسمی در فرهنگ معاصر ما ایرانیان شاکله اصلی ترانه نوین است.





از آنجا که این بستر مدام در حال تسطیح و توسعه است و حدود و ثغور روشنی ندارد، فعلاً قراردادهای ذوقی ناظر بر اضلاع و مرزهای آن است. به همین دلیل مثلاً کاربرد کلمه کیوتر به جای کفتر و نمایون به جای نمایان پیشنهادهای ذوقی تلقی می شوند، نه خطاهای کاربردی.

زبان گفتگوی غیررسمی بر اساس خاستگاه های متنوع متغیر است. چنان که زبان گفتگوی اصناف تجاری با هم تفاوت دارد و این تمایز هم در ساختار جمله ها، هم در دایره واژگان و هم در منطق زبان نمایان می شود. این گریز از قاعده زبان، گفتگوی غیررسمی را جذاب، هیجان آمیز و پر حادثه کرده است، در حالی که زبان معیار رسمی مثلاً مکاتبات در هر سطحی تابع قواعد ویژه ای است.

آن چه امروز در ترانه نوین اتفاق می افتد حاصل استفاده از تجربیات پنجاه سال اخیر است، اما در دهه اخیر حوزه اقتباس و استفاده از فضاهای ذهنی همدیگر بیشتر رایج شده است. تلاش سامان یافته و روشنی برای دگرگونی وضع موجود دیده نمی شود. ترانه های خوب تنها حاصل ذوق مقبول و سلامت زبان سرایندهگان است. به نظر می رسد که اتفاق در ترانه نوین تابعی از موسیقی ست، اما عوامل پیدای پنهانی در جوهره ذاتی ترانه و ترانه سرا تأثیر مستقیم دارد که مهم ترین آنها غلبه صنعت بر هنر در عرصه موسیقی ست.

تجاری شدن و توسعه فن الکترونیک ارزش های صنعتی را رفته رفته جایگزین ارزش های هنری کرده است، چنان که تکنولوژی تیون کردن صدا که حاصل فن آوری صنعتی ست معیارهای جمال شناسی در صدا را به هم ریخته و فاصله قابلیت های ذاتی را کم رنگ کرده است.

تنظیم های کامپیوتری و پیشرفته و غلبه نسل افکنورهای کامپیوتر باز و تنظیم کننده های سنتی چیزی نظیر غلبه عکاسی بر نقاشی ست در تصویرگری.

کلام در ازدحام هیجان اور سازه های الکترونیکی و افکت ها و تیون کردن صداها معایب فنی خود را پنهان می کند و اغلب پس از مکتوب

شدن برده از راز دردناک سستی آن برداشته می شود. در هر حال دهه گذشته چندان بی دستاورد هم نبوده است. به اندازه انگلستان دو دست ترانه سرای صاحب سبک و صلاحیت در کشور داریم که بدون نیاز به پنهان شدن در نقاط کور هنر صنعتی امروز، کلام شان می تواند میراثی مکتوب و قابل اعتنا تلقی شود.

اما دومین عامل مؤثر بر جوهره خلاقیت ترانه، وجود فضای ممیزی و سانسور است که عرصه ظهور ترانه های اجتماعی را سرد و متروک کرده است. شم تجاری شرکت های موسیقی و کنترل محتوایی آثار ترانه سرایان سبب شده است تا ترانه سرا از آغاز مسیرهای تعیین شده ای را برای حرکت داشته باشد. طبیعی ست حرکت غیرارادی در مسیرهای تعیین شده نمی تواند دستاوردهای درخشانی داشته باشد.

کساد بازار نقد ترانه در عرصه رسانه های مکتوب هم از دلایل دیگر سهل انگاری در این عرصه است. به طور کلی هم در فضاهای مجازی اینترنت نقد علمی جایگاهی ندارد، هم در عرصه مطبوعات، و عموماً طعنه و تمسخر همدیگر و اطلاق جملات عام و قضاوت های کلی مانند «این ترانه نیست» و «آن ترانه است» شاکله اصلی نقدهای رایج در فضاهای مجازی ست.

آخرین دلیل رکود ترانه به نظر من کاسته شدن حساسیت آهنگسازان و خواننده ها نسبت به ضعف و قوت ترانه هاست. به ندرت دیده می شود آهنگساز یا خواننده ای ترانه را عنصری مهم در توفیق آهنگ محسوب کند و این دو رکن اصلی اجرای آهنگ (خواننده و آهنگساز) عموماً سعی می کنند با قابلیت ها و امکانات فنی موجود خلأ کلام را پر کنند و در این آشفته بازار گاه دیده می شود بیش از یکصد ترانه از یک ترانه سرای مبتدی و متوسط به مرحله اجرا رسیده است و هنوز هم عامل ناکامی آن ها از دید عوامل اجرای آهنگ پنهان است.

پرداختن به عوامل دیگر مؤثر در موسیقی و ترانه، مثل ظهور زیپرها، فرصتی دیگر می طلبد که البته مستلزم واکاوی این عرصه است.

